



# روزنامه خاطرات

ناصرالدین شاه قاجار

از ربیع الاول ۱۳۱۰ تا جمادی الاول ۱۳۱۲ ق.

به کوشش مجید عبدامین



سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
فروست  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
شناسه افزوده  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی

ناصرالدین قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ق.  
روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار ( از ربیع الاول ۱۳۱۰ تا جمادی الاول ۱۳۱۲ق) / به کوشش مجید عبدالمین.  
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۷.  
سی و دو، ۸۲۱ ص.؛ مصور.  
مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار؛ ۲۱۰. گنجینه اسناد و تاریخ ایران؛ ۵۹.  
۸-۸۲-۵۹۴۲-۶۰۰-۹۷۸

فیبیا  
ناصرالدین قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ق. --- خاطرات  
ناصرالدین قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ق. --- سفرها  
ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق.  
Iran -- History -- Qajars, 1779-1925  
عبدالمین، مجید، ۱۳۴۱-، گردآورنده  
DSR۱۳۶۹/۷۸۸۷۱۳۹۷  
۹۵۵/۰۷۴۵۰۹۲  
۵۲۳۸۵۹۵

# روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار

از ربیع الاول ۱۳۱۰ تا جمادی الاول ۱۳۱۲ ق.



به کوشش



مجید عبدامین



مجموعه انتشارات  
ادبی و تاریخی  
موقوفات دکتر محمود افشار

[۵۹]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیأت گزینش کتاب و جوایز

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق  
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات  
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار  
از ربیع الاول ۱۳۱۰ تا جمادی الاول ۱۳۱۲ ق.



به کوشش  
مجدید عبدآمین  
گرافیسٹ، طراح و مجری جلد  
کاوه حسن بیگلر  
لیتوگرافی  
کوشر  
چاپ متن  
دایره سفید  
صحافی  
حقیقت  
تبراز  
۱۱۰۰ نسخه  
چاپ اول  
تابستان ۱۳۹۷

ناشر  
انتشارات دکتر محمود افشار  
خیابان ولی عصر، بالاتراز چهارراه پارک وی، خیابان عارف نسب  
تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶، دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶  
با همکاری انتشارات سخن  
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، بلاک ۴۸  
تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴، دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲  
تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان ها  
۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



## شورای تولیت

### متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)  
وزیر بهداشتی (وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

### متولیان منصوص

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)  
سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)  
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

## موسسه فرهنگی هنری دکتر محمود افشار

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - آرش افشار (بازرس)



### درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار - کریم اصفهانیان  
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار  
مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)  
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمد علی هدایتی

## یادداشت واقف

### اول

طبق ماده ۲۳ و قفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این و قفنامه گردد.

### دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ و قفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

### سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

### چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ و قفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

### پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمت‌های مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان‌شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

### ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

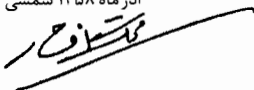
### هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می‌باشد.

### هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی  
آذرماه ۱۳۵۸ شمسی





## تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صددرصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزله باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

## تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان . کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکنند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظیه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانناژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون نتوان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



## فهرست

پانزده	مقدمه مصحح
بیست و یک	مقدمه ریاست پژوهشگاه میراث فرهنگی
بیست و هفت	مقدمه مدیرکل کاخ گلستان
۱	ربیع الاول ۱۳۱۰
۲۰	ربیع الثاني ۱۳۱۰
۴۲	جمادی الاول ۱۳۱۰
۷۴	جمادی الثاني ۱۳۱۰
۹۰	رجب المرجب ۱۳۱۰
۱۲۸	شعبان المعظم ۱۳۱۰
۱۷۶	رمضان المبارک ۱۳۱۰
۱۹۰	شوال المکرم ۱۳۱۰
۲۰۳	ذی قعدة الحرام ۱۳۱۰
۲۱۷	ذی حجة الحرام ۱۳۱۰
۲۴۲	محرم الحرام ۱۳۱۱
۳۰۱	صفر المظفر ۱۳۱۱
۳۲۳	ربیع الاول ۱۳۱۱
۳۴۲	ربیع الثاني ۱۳۱۱
۳۷۴	جمادی الاول ۱۳۱۱
۳۹۹	جمادی الثاني ۱۳۱۱
۴۲۴	رجب المرجب ۱۳۱۱
۴۵۵	شعبان المعظم ۱۳۱۱
۴۶۸	رمضان المبارک ۱۳۱۱
۴۸۳	شوال المکرم ۱۳۱۱
۵۱۱	ذی قعدة الحرام ۱۳۱۱
۵۳۱	ذی حجة الحرام ۱۳۱۱
۵۵۲	محرم الحرام ۱۳۱۲
۵۸۶	صفر المظفر ۱۳۱۲
۶۲۶	ربیع الاول ۱۳۱۲
۶۴۷	ربیع الثاني ۱۳۱۲
۶۶۵	جمادی الاول ۱۳۱۲

۶۷۱	فهرست‌های چندگانه
۶۷۳	فهرست نام اشخاص و القاب
۷۰۳	فهرست اسامی جغرافیایی
۷۲۳	فهرست مدنی، اجتماعی، اداری و واژه‌های خاص
۷۶۹	فهرست طوایف، ایلات، خاندان‌ها و مذاهب
۷۷۳	فهرست مأكولات و مشروبات
۷۷۵	فهرست گل‌ها، گیاهان و میوه‌جات
۷۷۹	فهرست حیوانات و جانداران
۷۸۳	فهرست بیماری‌ها و داروها
۷۸۷	بخش تصاویر
۸۱۳	منابع و مأخذ

## بنام خدا

سنت نگارش روزنامه خاطرات، خصوصاً به سبک و سیاق امروزی آن، در طی دو قرن اخیر و ابتدا از طریق آشنایی رجال کشور با فرهنگ اروپایی به ایران راه یافته است. تعداد قابل توجهی از رجال دوره قاجاریه، وقایع روزانه خود را در قالب روزنامه خاطرات و یا کتاب خاطرات به رشته تحریر درآورده‌اند که از بین آنها می‌توان به محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، حاج عزالممالک اردلان، حاج مخبرالسلطنه هدایت، عین السلطنه سالور، غلامعلی خان عزیزالسلطان، میرزاظاهر بصیرالملک شیبانی و برخی دیگر اشاره کرد. بخش مهمی از تاریخ معاصر کشور، به دوره قاجاریه اختصاص دارد که خوشبختانه در طی دو دهه اخیر، بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران و علاقمندان عرصه تاریخ معاصر قرار گرفته است؛ اما همواره مطالبی که توسط شخص پادشاه - به عنوان شخص اول مملکت - نگاشته شده است، از اهمیت خاص و ویژه‌ای برخوردار بوده است. چرا که آشنایی با افکار، روحیات، عاداتها و روندهای تصمیم‌گیری وی، به درک بهتر از حوادث آن دوره تاریخی کمک می‌نماید، و شاید یکی از دلایل علاقه‌مندی پژوهشگران حوزه تاریخ به روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه نیز از همین منظر باشد.

با استناد به شواهد تاریخی، ناصرالدین شاه قاجار از اوایل دوران سلطنت خود شروع به ثبت و ضبط وقایع روزانه خود نموده است؛<sup>۱</sup> و تا واپسین روزهای حیات خود، این کار را ادامه داده است.<sup>۲</sup> به همین جهت در عرصه تاریخ معاصر ایران، ناصرالدین شاه قاجار را یکی از سلاطین پرنویس و اهل فضل و ادب برمی‌شمارند. به حقیقت این جمله درست است که این پادشاه، هم کتاب‌دار بود و هم کتاب‌خوان، و هم در زندگی خویش سعی بر آن نمود تا آثار مکتوبی از خود برجای گذارد. آنچه مسلم است، تعداد زیادی از دست‌نوشته‌ها و مکتوبات او در آرشیوهای عمومی و خصوصی وجود داشته که به

۱. قدیمی‌ترین روزنامه خاطراتی که از ناصرالدین شاه مشاهده شده، مربوط به ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۵ قمری است.

۲. آخرین برگ از خاطرات روزانه ناصرالدین شاه، مربوط به چهارشنبه ۱۵ ذی‌قعدة سال ۱۳۱۳ قمری و چهل و هشت ساعت قبل از ترور وی است.

دست پژوهش سپرده شده، و پس از استنساخ به طبع رسیده‌اند؛ اما هنوز تعداد زیادی از این دست‌نویس‌ها نیز در کنج مراکز آرشیوی وجود دارند که پژوهشی بر روی آنها صورت نگرفته و لازم است تا این اسناد نیز مورد واکاوی قرار گرفته، و به جهت استفاده محققین و پویش‌گران عرصه تاریخ و فرهنگ ایران زمین به عرضه عمومی گذارده شود. آنچه از این پژوهش‌ها استخراج می‌شود؛ می‌تواند برخی زوایای مبهم تاریخ معاصر ایران را روشن ساخته و به بخشی از پرسش‌ها درباره روابط اجتماعی-سیاسی و فرهنگی آن دوران پاسخ گوید.

خوشبختانه بخش عظیمی از این روزنامه‌های خاطرات موجود است و در شرایط بسیار خوب، در دو مرکز مهم آرشیوی کشور، یعنی سازمان اسناد ملی ایران و مرکز اسناد تاریخی کاخ گلستان نگهداری می‌شود. بخشی از این روزنامه‌ها تا به امروز تصحیح و چاپ شده و مابقی آن نیز به یاری خداوند و همت پژوهشگران به چاپ خواهد رسید.

کتاب حاضر، حاصل استنساخ یکی از چندین آلبوم موجود در مرکز اسناد تاریخی کاخ گلستان است که در آن، ناصرالدین‌شاه به شرح وقایع روزانه خود در دوره زمانی از ربیع‌الاول ۱۳۱۰ تا جمادی‌الاول ۱۳۱۲ ق. می‌پردازد. بخش عمده کتابت این آلبوم توسط چهار تن از نزدیکان ناصرالدین‌شاه، یعنی حاجی ابوالحسن خان فخرالملک، میرزاهمدی خان غفاری آجودان مخصوص، میرزااحمدخان مشیرحضور و به ندرت توسط محمدباقرخان ادیب‌الملک صورت گرفته است. در این میان تحریر و حاشیه‌نویسی بخش‌های فراوانی از کتاب نیز توسط شخص شاه انجام شده. در اندک مواردی توسط فخرالدوله دختر شاه، و در چند مورد نیز به خط برخی از زنان حرم کتابت شده است. به جهت آگاهی خوانندگان محترم، نمونه‌هایی از خط کاتبین در بخش تصاویر آورده شده است.

### توصیف آلبوم

جلد: مقوایی لایه‌دار، روکش چرم، میشن سرمه‌ای متمایل به مشکی، در وضعیت بسیار خوب. دفترچه فرنگی‌ساز، به ظاهر ابتیاعی شاه از فرنگستان می‌باشد.

عرض جلد: ۱۷/۵ cm

طول جلد: ۲۱/۵ cm

عطف: ۴/۵ cm

روی عطف برچسب سفید با حواشی آبی کمرنگ. روی آن شماره ۲۵ به رنگ آبی و با قلم ریز مشکی عبارت: «شماره جدید/۵۹» مشاهده می شود.

اندرون جلد با کاغذ ابرو باد، هر دو سوی، هم پشت و رو، هم آستر و هم بدرقه، کاغذ ابرو و باد آن فرنگی قهوه ای است.

ورق: سفیدرنگ، حواشی کمی رنگ زرد پیدا کرده، کاغذ آن فرنگی و با علائم راده است.

به نظر می رسد پس از اتمام کتابت، نسخه توسط ناصرالدین شاه مطالعه شده و برخی جرح و تعدیل و اصلاح ها توسط همو صورت گرفته باشد. حواشی، تماماً به خط شاه است.

عدد اوراق نوشته شده: ۳۸۷ برگ

عدد اوراق نانوخته و سفید: ۲۱ برگ

اندازه اوراق: طول: ۱۲/۵ cm - عرض: ۱۹/۱ cm

عدد سطور: متفاوت و متغیر است، برخی برای نمونه آورده می شود:

برگ ۱ ص ۱: ۱۵ سطر به خط شخص شاه (سطور ناقص و کامل)

برگ ۲ ص ۱: ۲۰ سطر به خط حاجی ابوالحسن خان فخرالملک

برگ ۱۷ ص ۱: ۱۴ سطر به خط شخص شاه (سطور ناقص و کامل)

برگ ۳۱ ص ۱: ۱۷ سطر به خط میرزامهدی خان آجودان حضور

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم. روزنامه ای که در دست داشتیم می نوشتیم، قبل از سفر عراق و تمام سفر عراق و نهاوند و بروجرد و تویسرکان را هم در آن روزنامه نوشتیم.

انجام: این روزنامه ختم شد در روز ۱۴ شهر جمادی الاول سال ۱۳۱۲ [۱] در طهران، یونت ئیل، اواسط عقرب.



## روش تصحیح نسخه

رسم الخط نسخه با رسم الخط امروزی متفاوت است. متن اصلی فاقد علائم سجاوندی است و قواعد پاراگراف‌بندی نیز رعایت نشده است. کلماتی همچون برخواستم، خورد، خاندنم، نهار و از این دست، به رسم الخط متعارف کنونی برخاستم، خُرد، خواندم، نهار تغییر یافته است.

در متن اصلی، بای حرف اضافه متصل به کلمه بعدی آمده، همچون «بجای» یا «بخاطر» که به شکل «به جای» و «به خاطر» نوشته شده است.

کلمات جمع که با حرف «ها» ادغام شده‌اند مانند: خانها و خواجها و امثالهم از هم جدا گردیده و به شکل خانه‌ها و خواجه‌ها نوشته شده است.

هر جا افزودن کلمه یا حرفی بایسته دیده شد، آن را در میان دو چنگک [] قرار دادیم. همچنین، کلمات و جملات معترضه را در میان دو خط - - قرار داده‌ایم.

در بعضی از قسمت‌های نسخه، در نگارش کلمات اشتباهاتی صورت گرفته که ضمن تصحیح این موارد، آنها را در پانویس همان صفحه مشخص کرده‌ایم.

پانویس‌های کتاب، حول محور اعلام و القاب، اماکن و نقاط خاص جغرافیایی و همچنین کلمات و لغات نامأنوس و منسوخ شده قرار گرفته است و با توجه به اینکه بسیاری از القاب و مناصب در دوره‌های مختلف تاریخی، مختص افراد و اشخاص مختلفی بوده است؛ لذا به جهت جلوگیری از سردرگمی خوانندگان، هر بار که لقبی برای اولین بار به کار برده شده است، حتی الامکان شرحی دربارهٔ صاحب لقب و عنوان ارائه گردیده است.

با توجه به مراجعهٔ محققین و پژوهشگران عرصه‌های مختلف به این چنین کتاب‌هایی، فهرست‌هایی مختلف و متنوع همچون اسامی اشخاص، اسامی جغرافیایی، واژه‌های خاص و اصطلاحات، طوایف، ایلات، خاندان‌ها و مذاهب، مأکولات و مشروبات، گل و گیاه، میوه‌جات و درختان، حیوانات و جانداران و کتب و روزنامه‌جات تهیه شده است.

- شیوه ترتیب فهرست اعلام اشخاص به شکل زیر است:
- اسم کوچک + کلمه عنوانی مثل خان و میرزا ← ارجاع به لقب (مثلاً جعفر خان = مشیرالدوله)
  - اسم کوچک منفرد ← (مثلاً صفرعلی)
  - اسم کوچک + کلمه عنوانی مثل خان، میرزا یا نسبت (جلیل خان، جهانسوز میرزا، جمشید خان ماکویی)
  - اسم کوچک مرکب + کلمه عنوانی همچون خان، میرزا یا نسبت آن شخص.
  - اسم کوچک مرکب ← ارجاع به لقب (محمدقلی = حسامالدوله)
  - نام‌هایی که یکنواخت و مشابه بوده و احتمال می‌رفته است که دو یا چند شخص مجزا باشند، پشت سرهم و به ترتیب ذکرشان در صفحات آورده‌ایم، تا اختلاطی در هویت و منصب آنها حاصل نشود. (مثلاً یوسف خان و یوسف خان سرتیپ)
  - القاب بعدی و اطلاعات مربوط به افراد پس از شماره صفحات و داخل پیرانتز آورده شده است.
  - به جهت تشخیص پژوهشگران، بخش‌هایی از نسخه را که به خط شاه تحریر شده، به صورت ایتالیک آورده‌ایم.
  - در تشخیص برخی از القاب اشخاص، از دیگر روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه که خود تصحیح کرده‌ام، بهره برده‌ام.

### تقدیر و تشکر

سپاس و تشکر خود را نثار همه عزیزان و بزرگوارانی می‌کنم که به اشکال مختلف، با راهنمایی و اقدامات خود، بنده را در پوشانیدن لباس تدوین به این اثر یاری نمودند. سپاس بیکران دارم از جناب آقای مهندس سید محمد بهشتی ریاست محترم پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور. از جناب آقای دکتر مسعود نصرتی، مدیرکل محترم کاخ گلستان، به جهت ایجاد بستر مناسب جهت بهره‌برداری از منابع اسنادی و حمایت‌های بی‌شائبه ایشان از حقیر تشکر ویژه دارم. از سرکارخانم نسرین خلیلی، مسئول مرکز اسناد تاریخی کاخ گلستان، به جهت همکاری‌ها و ارائه خدمات آرشیوی مناسب تشکر مضاعف دارم.

نهایت امتنان خود را از آقایان بهمن بیانی، رضا کسروی، مهدی فراهانی، بهنام ابوترابیان، سیدرضا موسوی میرکلا، احمد چایچی امیرخیز، پرویز پیران، امید اخوی، کاوه حسن بیگلر و دیگر عزیزانی که با راهنمایی‌های خود، بنده را در به ثمر رساندن این اثر ارزشمند یاری نمودند اظهار می‌کنم.

از حضرت استاد آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد، و کلیه کارمندان انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، به پاس تلاش بی‌وقفه این مرکز، جهت ارتقاء سطح فرهنگ و دانش ایران عزیز و فراهم نمودن شرایط لازم برای چاپ کتاب حاضر تشکر می‌کنم.

وظیفه اخلاقی خود می‌دانم، از دوست گرامی و دانشمندم، جناب آقای دکتر محمد افشین وفایی، به سبب تمامی زحمات و کوشش‌های پیگیر و دلسوزانه ایشان، در جهت هر چه بهتر و پاکیزه‌تر شدن متن حاضر، و یادآوری نکاتی چند در فهم لغات و اصطلاحات متن صمیمانه تشکر نمایم.

سخن را با درود به روان پاک دکتر محمود افشار و خلف صالحش، زنده یاد ایرج افشار به پایان می‌برم و برای زنده یاد استاد کریم اصفهانیان که همواره مرهون محبت‌های ایشانم، علو درجات و بهشت برین را آرزو مندم.

این اثر را تقدیم می‌کنیم به تمامی پویش‌گران و علاقمندان عرصه تاریخ و فرهنگ ایران زمین و یادآوری می‌کنم. با توجه به بضاعت اندک این حقیر، به احتمال قریب به یقین، لغزش‌ها و اشتباهاتی در تصحیح این اثر روی داده که امیدوارم سروران و فضلا، بر این نقایص چشم نپوشند و با تذکرات کارشناسانه خود، حقیر را مرهون محبت‌های خویش سازند.

مجید عبدالمین

زمستان ۱۳۹۶

## هو اللطيف

### مطالعه سفیدی میان خطوط، یا بزنگاه بی ارادگی ناصرالدین شاه

با تورقی در صفحاتِ مجموعه‌ای که در دست دارید و مطالعه طیف متنوعی از مطالبی که برای حاکمی مشهور به اقتدار و کام‌جویی جالب بوده، به فکر فرو رفتیم و این سؤال برایم پیش آمد که ناصرالدین شاه این یادداشت‌ها را برای چه کسی نوشته است؟ آیا آدم‌ها این قبیل گزارشات و روزنامه‌خاطرات را که از سر حوصله و به دقت نوشته می‌شود، و قرار نیست به نظر دیگری برسد، تنها برای ارضای دل خود می‌نگارند؟ یا نه! قصد دارند هویتی مقبول از خویشتن برای نادیدگان ترسیم کنند؟ یا تنها مقصودشان ثبت دیده‌ها و شنیده‌های خود در محضر نامدگان است و برای شهادتِ واقعیتی که ممکن است مغفول بماند، آن را بر جای می‌گذارند؟

هر کدام از تعابیر مذکور را که پاسخ بدانیم، با یک حقیقت روبرو هستیم: نویسنده‌خاطرات، در شرح روزمرگی خود، به دنبال گفتن چیزی است که اراده کرده بگوید. در عین حال از گفتن چیزهایی به اراده خود پرهیز می‌کند، تا بتواند مقصودی که از نگارش داشته را جامه عمل بپوشاند. ناصرالدین شاه نیز در روزنوشته‌های خود، عامداً از گزارش برخی موارد خودداری و به جای آن بر بعضی موضوعات تمرکز کرده است؛ مثل اینکه بخش مهمی از یادداشت‌هایش را به تشریح گردش‌ها و شکارها پرداخته، اما با پرده‌پوشی خاصی از بیان مسائل حول حکومت و سلطنت خودداری می‌ورزد. از طرفی چون مسائل را از منظر خود بیان کرده، وقتی یادداشت‌های او را با دیگر منابع هم‌عصر مثل روزنامه‌خاطرات اعتمادالسلطنه و عین‌السلطنه و امین‌الدوله و غیره مقایسه می‌کنیم، تفاوت‌های جالبی درک می‌شود، و می‌توان صحنه را از چند بعد تجسم کرد؛ مانند ماجرای بگیر و ببندی که نایب‌السلطنه در باب نامه‌های ملک‌خان به راه انداخت. بنابراین از منظر یک پژوهشگر، این سند از آن جهت واجد ارزش است که شخصیت تاریخی ناصرالدین شاه و دوران او را بهتر به ما می‌شناساند.

اما از این مسئله که بگذریم، ارزش اصلی این نوع مدارک تاریخی در جای دیگری نهفته است؛ یعنی آنجا که ناشی از بی‌ارادگی ناصرالدین شاه است، و آنجا که قصد نداشته تا موضوعاتی را با ما در میان بگذارد، بلکه طی فرآیند صورت‌بخشی به کلمات، لابلای سکوت و سخن، در خلال گفته و ناگفته، و هنگام به سر بردن در فضای متن، ناگزیر از اعلان مسائلی بوده که به نیت و اراده او در بیان مقصود اصلی اش کمک می‌کرده است. بدین اعتبار، علاوه بر آنکه ما وجوه دیگری از شخصیت خود ناصرالدین شاه را خواهیم شناخت، نسبت به محیط زندگی او نیز آگاه‌تر خواهیم شد.

از آنجا که این گزارش روز به روز نوشته شده است، نمی‌توانسته بر اساس یک سناریوی از پیش تعیین شده جلو برود. شاه یک روز ممکن است متأثر باشد و روزی دیگر خوشحال. بدین ترتیب زوایای پنهان شخصیت او و دوران‌ش، بر کنج‌کاوی ما آشوش می‌گشاید. از همین طریق متوجه می‌شویم که چه کسانی همدم و ندیم شاه بوده‌اند. روابط انسانی‌ای که فارغ از قرارگیری در نقش یک پادشاه با فلان میرآخور و باغبان و غیره برقرار می‌کرده، چه کیفیتی داشته است. علی‌الخصوص رابطه پدرانه و عاطفی او با عزیزالسلطان که نوجوانی بیش نبوده، و رابطه محبت‌آمیز او با امین‌اقدس چطور بوده که درون فضای ویژه و مزدحم اندرونی، به یک خانواده کوچک می‌مانند.

در عین حال، با پوست و گوشت خود حس می‌کنیم که ناصرالدین شاه چقدر تنه‌است؛ گویی حرف‌هایی که در کتاب به ما می‌گوید، نمی‌تواند به نزدیکانش بگوید. ضمناً به ما نشان می‌دهد که بسیاری از نیک‌سیرتی‌ها و بدجنسی‌های زیردستانش را خوب متوجه است، ولی نمی‌بیند آنچه را نباید ببیند، و اغماض پیشه می‌کند آنگاه که ضرورت دارد. وقتی از چیزی خوشش می‌آید ابراز می‌کند. شوخ‌طبع است و خیلی چیزها را به شوخی از سر می‌گذرانند. مناعت طبع دارد و هزاران دلالت دیگر که اگر با عینک یک پژوهشگر جدی به موضوع نظر افکنیم، حقایق بسیاری درباره اقتضات و ساختارهای حکومت و سلطنت در بافت فرهنگی خود را عیان می‌سازد. شاید مهم‌ترین مسئله‌ای که باید بدان اشاره کرد، رفتار و کردار او در موقعیت پادشاه است. مقامی که در این یادداشت‌ها بسیار کم‌رنگ و به شدت پنهان است. گویی خاطرات یک فرد اشرافی را مرور می‌کنیم. ندرتاً با سلطانی مستبد و خودرأی مواجهیم. بلکه ناصرالدین شاهی را می‌بینیم که ابایی ندارد از آنکه

بگویند بارها تیر انداخته، ولی به هدف نخورده است. شاه بودنش از موضع فاعلانه نیست و میل به دخالت و دستکاری در زمینه را از خود عیان نمی‌سازد. حاکمی است که قدرت و جبروتی از خود نشان نمی‌دهد. به عکس شاعر مسلک و لطیف‌الطبع است. بسیاری خطاها و خیانت‌ها و دروغ‌ها و سماجت‌ها را به روی خود نمی‌آورد؛ مثل مورد حاجی‌واشنگتن که حاضر شد به خاطر پانصد تومان مستمری برادرش، خبر مجعول مرگ وی را به شاه بدهد. ولی ناصرالدین‌شاه تا مطمئن نشد مستمری به وی نداد؛ و در عین حال پس از اطمینان، بخلی در کمک به وی نورزید. او را می‌بینیم که هرچند زیاد در مورد افراد، احساساتش را بروز نمی‌دهد، ولی از جزئیات احوال همه اطرافیان، از کنیز و غلام سیاه، تا صدراعظم و جناب آقا باخیر است؛ آن‌هم نه فقط به صفت خدمتی که می‌کنند، بلکه به حیث شأن انسانی‌ای که دارند.

چنین شناختی به ما کمک می‌کند تا تمام قد و بالای ناصرالدین‌شاه را ببینیم و او را به جا بیاوریم؛ نه آنکه تنها دست یا پا، یا گوشه سبیلش را خوب بشناسیم و وقتی چشم‌هایش را دیدیم، قادر به تشخیص کیستی او نباشیم. بدین ترتیب، در موقعیت‌هایی که اسناد و مدارک کافی در دست نداریم، با مددجویی از الگوهای کنش و واکنشی که کشف کرده‌ایم، می‌توان احتمالی قریب به یقین را در نظر آورد.

لایه‌های متن که بی‌اراده نوشته شده‌اند، موجب کشف و شناخت محققانه نسبت به محیط زیست ناصرالدین‌شاه نیز می‌شود. اعلام منعکس در کتاب، داده‌های ذیقیمی به پژوهشگران می‌دهد. این نوشته‌ها مملو است از نام کسان و جای‌ها. زیرا به دقت از اطرافیان خود یاد و احوال ایشان را با اشراف و به تفصیل بیان کرده است. وقتی شکاری را گزارش می‌کند، نام عوارض طبیعی و قراء و درختان و جانوران و بسیاری موارد را آشکار می‌سازد. چه بسا امروز بسیاری از آن نام‌ها مهجور شده‌اند و اغلب آن جانوران به دوردست‌ها پناه برده‌اند و اسم بسیاری از همراهانش در جایی دیگر ثبت نشده است.

در حین مرور این خاطرات، اطلاعات فراوانی درباره زبان مکالمه روزمره مردم تحصیل‌کرده کسب می‌کنیم. متوجه می‌شویم نظریه‌هایی که درباره زبان و نثر متکلف دیوانی دوره قاجار ابراز شده‌اند، چندان فراگیر و به واقعیت مقرون نیست. زیرا مخاطب عادی هم امروز با نوشته‌هایش پس از یکصد و اندی سال ارتباط برقرار می‌کند و

اصطلاحات ناآشنا در آن کمیاب است؛ و نشان می‌دهد که به زبانی شفاف و بی‌تکلف تکلم می‌کرده‌اند. ذکرِ موقعیت‌ها در کتاب تا چه اندازه به شناختِ اصول و سنت‌ها و روش‌های تاریخی یاری می‌رساند و چطور به آشکار شدن بسیاری مجهولات، در زمانه‌ای که اسب و سواری و گشت در صحرا را یکسر کنار نهاده‌ایم، کمک می‌کند؛ از قبیلِ آداب و اقتضائاتِ شکار، انواع اسبهای ایرانی، مناسبات انسان و اسب نزد ایرانی‌ها، پرورشِ دام‌هایی مثلِ گاو سیستانی و شتر کلائی، صید و اسلحه، اردو زدن، خیمه و چادر، معماری موقت و غیره. توصیفی که از مراسم تعزیه و عزاداریِ سالارِ شهدا در تکیه دولت می‌کند، اطلاعات جالبی از مناسبات و ترتیبات دربارهٔ بنایی که تنها بخشی از شالودهٔ آن باقی مانده، فراهم می‌آورد. این نوشته‌ها نه تنها شناختِ ناصرالدین‌شاه از محیط و سرزمین خودش را در جایگاهِ حاکم نشان می‌دهد؛ بلکه بر ما نکات گوناگونی در جهت آگاهی از کجا بودن آن جا، و وقوف بر کیفیتِ مادی و معنایی‌اش را معلوم می‌سازد؛ مثلِ قسمتی که دربارهٔ کلاهک ابری قلّه دماوند سخن می‌گوید، بدونِ اراده به اهمیتِ این نشانه نزد تهرانی‌ها برای پیش‌بینی بارندگی اشاره می‌کند. همچنین حساسیتِ وی راجع به موضوع آب و بارندگی و آنجا که می‌گوید هر قطرهٔ این باران یک اشرفی می‌ارزد، برای کسی که هزار سالِ دیگر به این متن مراجعه کند، گویای وجهی مهم از مختصاتِ طبیعی و فرهنگی این سرزمین است. مثال‌هایی از این دست بسیار می‌توان ذکر کرد؛ از تعریفِ باغ مطلوب تا گل‌هایی که می‌کاشتند. از مسائلِ معماری تا انواعِ خوراکی‌ها. از روابط با همسرانش تا طرز برگزاری جشن‌ها و عزاداری‌ها.

پس در مجموع ما می‌توانیم در مواجهه با چنین آثاری خود را در معرض سه نوع قرائت از متن قرار دهیم: اول قرائتی که شخصیت ناصرالدین‌شاه را آن‌طور که خودش اراده کرده بر ما آشکار می‌کند. دوم شخصیت ناصرالدین‌شاه را در آیینهِ وجه غیرارادی متن به ما می‌شناساند، و سوم محیطِ فرهنگی او را بدون اینکه وی اراده کرده باشد بر ما آشکار می‌سازد. طبیعتاً قرائت نوع اول آسان‌تر و ظاهرتر است. ولی کسانی که کتاب را بخوانند و تنها به وجه ارادی آن اکتفا کنند، آن را حرام کرده‌اند و تنگ‌نظری از خود بروز داده‌اند. حین خواندن این کتاب قرار نیست به تجلیل یا تقبیح اعمال ناصرالدین‌شاه بنشینیم. بلکه به تحلیل سندی می‌پردازیم که وی از خود به جای گذاشته است؛ حیف است توقف

در مرتبه سواد و ظاهر. آنچه از روی بی‌ارادگی در متن منعکس می‌شود، در بازخوانی چنین آثاری اهمیتی به مراتب بیشتر دارد. زیرا در عمل عاری از خطاست. به عبارت دیگر، انسان در ساحت بی‌ارادگی دیگر جایز الخطا هم نیست.

هرچه ما به قرائت نوع سوم نزدیک می‌شویم، پژوهش دشوارتر، اما نتایج حاصل از آن مفیدتر خواهد بود. این نگاه مستلزم بصیرت باستان‌شناسانه نسبت به کتاب، به مثابه یک ماده فرهنگی است. نوشته از این منظر حاوی بسیاری نکته‌هاست که بود یا نبودشان حائز اهمیت است. هرچه به عمق بیشتری از ظرفیت این سند غوص کنیم، گوهرهای نایب‌تر و گرانبهاتری صید خواهیم کرد. زیرا به عرصه بینش ایرانی راه یافته و شناخت بهتری از کیستی خود، و کجایی سرزمینمان پیدا خواهیم کرد.

نمی‌توان از اظهار خشنودی خودداری ورزید که در سالهای اخیر اقبال مصححین و پژوهشگران و محققین، به یافتن و تصحیح و انتشار این قبیل اسناد درجه اول که بلاواسطه ما را با وجوهی پنهان اما حیاتی از گذشته خود مواجه می‌کند، چشمگیر شده است. اکثر مردم با شنیدن نام قاجاریه، عصری تاریک و سیاه را به ذهن می‌آورند که مردان بی‌کفایت و مملکت‌بربادده، وقت‌گذرانی در حرم‌سرا با دلچک‌ها و ملیجک‌ها را به حکم روایی عادلانه ترجیح می‌دادند؛ شاهان و رجالی یکسر آغشته به استبداد، بلاهت، خیانت، مسخرگی، و عشرت؛ اما این تصویر آفریده دوره معاصر است که به اغراق و بی‌انصافی آغشته شده. هزاران برگ از اسناد مغفولی که چند سالی است از مراکز دولتی و صندوق‌خانه‌های مردم، به همت این عزیزان بیرون کشیده و منتشر می‌شود، ابعاد جدیدی از آن گذشته را آشکار می‌سازد که از ضخامت حجاب این شناخت موهوم حکایت دارد.

تاریخ‌نگاری‌های معروف معاصر، اغلب با اتکاء بر خاطرات و سفرنامه‌ها نوشته شده و طبیعتاً قضاوت شخصی چند تن از بازیگران صحنه که بر همه ابعاد موضوع اشراف نداشته و معمولاً برای خود و شبکه ارتباطی خود دفاعیه برجای گذاشته‌اند، نمی‌تواند معیار موثقی برای قضاوت در باب عصری باشد که از قضا، برخی از بهترین یادگارهای حوزه اندیشه، هنر، شهرسازی، علم، و... را به میراث گذاشته است. اما اسناد دست اولی مثل روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، در بسیاری موارد، قصد تلقین غرض یا مرضی را ندارد و بدون آنکه متوجه باشد، برای مورخ نکته‌سنج، حکم یافته‌هایی مسجل و قطعی را دارد



که شهادت بر بسیاری وجوه مغفول گذشته می‌دهد؛ آن هم گذشته نزدیک که به اعتبار نزدیکی در ابعاد و وجوه گوناگون زیست ایرانی، از شفافیت و زلالی به مراتب بیشتری نسبت به دوردست‌های تاریخ در عصرِ دیلمی یا هخامنشی دارد.

در پایان از سویی باید پشتکار، دقت، اشتیاق، و حوصلهٔ جناب مجید عبدامین را در تصحیح این سند گرانبها ستود، و از سوی دیگر به دست‌اندرکاران مجموعهٔ کاخ گلستان دست‌مریزاد گفت؛ هم به جناب آقای دکتر نصرتی که فرصتی مناسب برای دسترسی و استنساخ این نسخه‌های ارزشمند را فراهم کردند، و در این زمینه الگویی مثال‌زدنی هستند، و هم دیگر همکاران مجموعهٔ کاخ گلستان، در بخش‌های مختلف موزه‌ای و آرشیوی که پشتیبان چنین حرکت‌های علمی‌ای بودند.

سید محمد بهشتی

رییس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

آذرماه ۱۳۹۶

## بنام خداوند هستی‌آفرین

آنچه از تاریخ به یادگار می‌ماند، هویتی است برای آینده و اسناد تاریخی، هویتی است مستند و ارزشمند برای درک بهتر دوران گذشته و ترسیم آنچه امروز می‌خواهیم و آینده‌ای که می‌تواند روشن و امیدبخش باشد.

خاطرات روزانه و سفرنامه‌های رجال سیاسی، همواره به عنوان اسنادی تاریخی، مدد رسان پژوهشگران عرصه تاریخ معاصر بوده و توانسته پاسخگوی بخشی از حجم انبوه پرسش‌های پیش رو باشد.

استقبال شایان توجه پژوهشگران و علاقمندان به تاریخ معاصر ایران، از یک سو نشانه رشد روحیه تحقیق و پرسشگری، و از طرف دیگر نشان علاقمندی ایشان به استفاده از اسناد و مدارک مکتوب، به عنوان منابع دست اول برای تحقیقات تاریخی است. بی‌شک، غور و بررسی در احوال گذشتگان و آگاهی از عقاید و آراء ایشان، سبب آگاهی مضاعف، عبرت‌آموزی و درک بهتر علل و عوامل موفقیت‌ها و عدم‌کامیابی‌های کشور عزیزمان خواهد بود.

کاخ گلستان، به عنوان یکی از بزرگترین مراکز آرشیوی کشور، و با دارا بودن حجم وسیعی از اسناد خطی، کتب نفیس، پرده‌های نقاشی بی‌نظیر، آلبوم‌های عکس و فیلم؛ و اشیاء فراوان تاریخی و فرهنگی، سهم بسزایی در تهیه مواد خام لازم جهت تحقیق و پژوهش را داراست؛ و اگر چه به نظر می‌رسد جایگاه واقعی این مرکز، در بعد تحقیقی و پژوهشی هنوز با کاستی‌هایی روبرو است، ولی خوشبختانه وجود پرسنل آگاه، علاقمند و دلسوز، این نوید را می‌دهد که در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد شکوفایی و رونق امر پژوهش در این مرکز مهم تاریخی و فرهنگی کشور باشیم.

کتاب حاضر، حاصل تحقیق و پژوهش بر روی بخشی از اسناد گرانبها، موجود در گنجینه ارزشمند اسناد تاریخی کاخ گلستان است که نمایانگر گوشه‌ای از نفایس نهفته در دل مخازن این مجموعه است. اسناد این مجموعه، از جمله داشته‌های پرازشی است که تاریخ و مردمان برهه‌ای از زمان و بسیاری از وقایع مهم تأثیرگذار دوران گذشته و معاصر را به تصویر می‌کشد و منبعی قابل توجه برای مورخان، پژوهشگران و اهالی فرهنگ، هنر و ادبیات ایران و جهان می‌باشد.

روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه قاجار، یکی از مهمترین منابع دست اول جهت بررسی و واکاوی اوضاع اجتماعی و فرهنگی دوران قاجار است. از این پادشاه، هزاران برگ سند و ده‌ها آلبوم از مکاتبات و یادداشت‌های متفرقه باقی مانده است، اما هیچ کدام از آنها ارزش خاطراتی را که او به طور مستمر و روزانه نوشته است ندارد.

این واقعیت که ناصرالدین شاه قاجار، در زمینه خاطره و خاطره‌نویسی، یکی از پیشگامان این عرصه بوده و با بهره‌مندی از قلمی توانا و ذهنی پویا، و با دقت نظر عالی، آثار بسیار ارزشمندی را که تماماً حاصل تجربیات و مشاهدات زندگی خویش است، برای ماندگاری در تاریخ ساخته و پرداخته است، از دید صاحب نظران عرصه تاریخ دور نمانده است و همگی به این واقعیت اذعان نموده‌اند. اهمیت این یادداشتها، به جهت درک و آشنایی با مسائل جامعه‌شناختی و مناسبات فرهنگی و اجتماعی از جایگاه ممتازی برخوردار است. بدیهی است که این آگاهی‌ها برای اهل تحقیق و پژوهشگران مسائل تاریخ معاصر و به‌ویژه تاریخ عصر قاجار مفید و قابل استفاده خواهد بود. اطلاعات فراوان و دست اولی درباره وضعیت و ویژگی‌های جغرافیایی و اجتماعی شهر تهران و دیگر شهرهای ایران، رویدادهای تاریخی، آداب و رسوم مردم، مراسم عزاداری و تعزیه و برگزاری جشن‌ها و آئین‌های ملی و مذهبی، همچون مراسم عید نوروز و برگزاری انواع و اقسام مراسم روضه‌خوانی و شبیه‌خوانی، آشنایی با بسیاری از شخصیت‌ها و رجال سیاسی و نظامی، ارائه اطلاعاتی درباره بافت قدیمی شهر تهران و ابنیه شهری؛ وضعیت قشون و اداره ولایات و مناسبات اجتماعی و فرهنگی، از جمله مقولاتی است که در این خاطرات به وفور یافت می‌شود و مهمترین مآخذ درباره تاریخ دوره قاجار محسوب می‌شود.

با انتشار این دست کتب ارزشمند، می‌توانیم بگوئیم که نخستین گام‌ها برای شناخت و عرضه اسناد تاریخی موجود در این مجموعه برداشته شده، و این راه با پشتکار و همت همکاران عزیزمان در این مجموعه ادامه خواهد یافت.

در پایان وظیفه مجموعه جهانی کاخ گلستان می‌دانم تا از تلاش کوششگر محترم، جناب آقای مجید عبدامین، به خاطر تقبل این کار دشوار و به پایان رسانیدن آن به این مطلوبی، سپاسگزاری نمایم و توفیق ایشان را از خداوند متعال خواستار شوم. امید که این کوشش از جامعه فرهنگی مجموعه جهانی کاخ گلستان، مطلوب طبع ظریف خوانندگان گرانقدر این روزنامه خاطرات قرار گیرد.

مسعود نصرتی

مدیر کل کاخ گلستان

آذرماه ۱۳۹۶